

متن گزارش علمی ریچارد هالوک
در کنگره • باستانشناسان مونیخ
ترجمه : رحمت‌اله مهرآز

تخست

جنبه جغرافیائی

متون عیلامی تخت جمشید

لوحه‌هایی که بزبان عیلامی از دبیرخانه تخت جمشید بدست آمده و تاریخ آن بین سال چهاردهم تا بیست و هشتم سلطنت داریوش اول است. راجع به جیره غذایی افراد و حیوانات و نیز جمع‌آوری؛ حمل و نقل، و ذخیره مواد غذایی بحث می‌کند. ارزش لوحه‌ها محدود باین نیست که معرف سازمان اقتصادی هخامنشیان است بلکه منبعی است برای مطالعه زبان عیلامی و لغات پارسی باستان. زیرا این لوحه‌ها تعداد زیادی از لغاتی را در بردارند که پارسیان از عیلامی‌ها بعاریت گرفته بودند در اینجا نگارنده متن آن لوحه‌ها را از چشم اندازهای مختلف مورد بحث قرار خواهد داد که اهم آنها جنبه جغرافیائی است. از دیدگاه جغرافیائی دسته‌ای از متون عیلامی که جیره غذایی مسافرین در آنها ثبت است بطور نمایانی از بقیه الواح متمایز است. این ستون که تعداد آنها از سیصد تجاوز می‌کند معمولاً مقصد و غالباً مبدء حرکت مسافرین و جایی را که جیره خوراکی باید تحویل شود نام می‌برند شوش و تخت جمشید جزء آن دسته از اسامی هستند که بارها تکرار شده‌اند. غالباً اما کن دیگر نیز که از آنها نامی برده شده در نزدیکی این دو مرکز قرار دارند ممه‌ذا از ذکر دورترین نقاط هم فرو گذار نشده. از شهرهای غربی دوبرانام سارد برده شده. اسامی مصر و بابل نیز هر کدام یکبار مذکور است. در مشرق، هند هشت بار، (آواچوسیا) چهار بار و (گاندارا) سه بار ذکر شده‌اند. متن لوحه شماره ۵۸۹۸ که غیر عادی ولی محتوی

اطلاعات تازه ایست از سه هند سخن می گوید . مسافرین شوش بهند که دوگوسفند جیره می گیرند در طول راه (داشر) به (هیدالی) که با استفاده از منابع دیگر با وجودیکه تعیین جای دقیق آنها امکان ناپذیر است از اماکن عیلامی شناخته شده اند در هر توقفگاه یکدهم گوسفند جیره دریافت می داشته اند از تعداد توقفگاهها و جمع جیرهها استنتاج میشود که فاصله (داشر) تا (هیدالی) شش روز راه بوده است . هیچگونه اشاره ای دال بر تعیین فاصله (داشر) تا شوش وجود ندارد اما می دانیم که (هیدالی) در جنوب شرقی شوش قرار دارد و لااقل شش روز راه با آن فاصله دارد . هیدالی نیز در راه شوش ، پرسپولیس و شوش ، کرمان قرار دارد و ممکن است نقطه ای باشد که راه جنوب شرقی پرسپولیس از جاده شرقی که بکرمان و هند منتهی میشود منشعب می گردد : کلیدی برای تعیین جای (ماتسیش) (در ایران تا استان اوادای کایا) از کتیبه های بیستون بدست می آید که نشان می دهد شهر کی است در ایران و نام آن در لوح شماره ۳۰۶۷ مذکور و جایی است که جمعی از پیک های شاهی سهمیه جیره خود را در آنجا دریافت می داشته اند . البته از این مطلب که شاه خود در کجا بسر می برده ذکر بی میان نیامده . اگر در شوش بوده ماتسیش باید در شمال یا شمال شرقی قسمتی از پارس واقع باشد و اگر در پرسپولیس بوده باید در قسمت شرقی استقرار داشته باشد . ستونی مربوط به مسافرتها روشن ترین اطلاعات جغرافیائی را بما می دهد اما ستون دیگر شامل اسامی جغرافیائی می باشد که از آنها می توان نتایج صحیحی استخراج کرد . این ستون غالباً مربوطند به جیره های غذایی دستجاتی که اسکان گرفته بودند . نمیتوان تردید کرد که جای اکثر اماکن مذکور در این لوحها در پارس واقع بوده است و بقیه نیز غالباً نام شهرهای عیلامی است . بسزودی در این مسئله بحث خواهیم کرد آیا هیچ یک از شهرهای مذکور در لوحها درجائی غیر از عیلام و پارس قرار داشته بانه ؟ برای روشن شدن مطلب اجازه می خواهد موقعیت محل (تاسپاک) را مطالعه کنیم . زیرا اگر از متن لوحها برای تعیین جای آن استفاده کنیم برای ما

محل اصلی آن مجهول است. اسامی جاهائی نیز که با آن ذکر شده نظیر (هیسات) و (هیسما) برای ماروشن نیست. گام دوم اینست که اسامی خاص افراد رسمی که دو تاسپاک جیره تحویل می گرفته اند جمع آوری و دقت نمائیم که که آن اسامی در چه جاهای دیگر تکرار می شوند. در میان اماکن دیگر هیسما و چند نام ناشناخته دیگر و همچنین شوش و هیدالی در هم برهمند در خارج از عیلام بچنین نامهایی بر خورد نمی کنیم و بهمین جهت می توان نتیجه گرفت که تاسپاک در عیلام قرار داشته. با استفاده از این روش فهرستی از ۲۲ محل در عیلام و ۴۵ نقطه در پارس تهیه کرده ام این ۶۷ جا کمی کمتر از نصف تمام اماکن است که اقامت کنندگان از آنجاها جیره دریافت می داشته اند. در حالات دیگر مدارک بایکدیگر متناقض یا غیر قطعی و مجمل است در میان اماکن پارس نام «ماتسه تیش» قبال ذکر شده. (شیراز تیش) یعنی شیراز از (نارسا) احتمالا مقصود (نی ریز) است. رکان که در پارسی قدیم (رخا) نام داشته در کتیبه بیستون نیز مذکور است همچنین محلی بنام (نملوکان) وجود دارد که یکبار هم (تسا اوکان) نوشته شده که من آنرا با (تاوس) تطبیق می دهم که نویسندگان یونانی از آن بعنوان محلی از یک کاخ سلطنتی نام برده اند. اکنون باین مسئله می رسمیم که آیا هیچ جائی از این اسامی مربوط با ماکن خارج از پارس و عیلام هست یا نه؟ یکی از اماکن معمائی (بکتیش) نام دارد که یکبار هم به پشت (بکتش) نوشته شده. در کتیبه بیستون (بکتیش) بکشور باخترا اطلاق شده. دو تا از لوحه های تخت جمشید که در آنها نام یکتیش تکرار شده مربوط بمتن مسافرت است. در این دو لوحه بدون اشکال میتوان معتقد شد که مقصود از کلمه فوق (باکتریا) یا باکترا (بلخ) پایتخت آنست. موارد دیگر احتیاج بمطالعات عمیق تری دارد. یکی از اینگونه موارد لوحه شماره ۲۰۲۴ می باشد که حاکیست عده ای کارگر در (بکتیش) جیره غذائی یا گندم از محلی بنام (کوریش تیش) دریافت داشته اند. این خود رابطه مستقیم (بکتیش) و کوریش تیش را روشن می سازد. کوریش تیش نیز بنوبه خود از تباط مستقیمی بالوحه های متشابه با

چهارمحل دیگر دارد . تنهامحل معلومی که از روی آن می توان جای کوریش تیش را حدس زد عبارتست از (سیرس چاتا) که به (سیرا) و (سیروپولیس) معروف است و آریانوس آنرا جزء هفت شهر واقع در امتداد (جاگزارتس) در سند نام برد . آریانوس نام یکی دیگر از این هفت شهر را (گازا) ذکر کرده . پس معلوم می شود یکی از اماکنی که با (کوریش تیش) در لوحه های ما ارتباط دارد عبارت است از (کانسان) که همان (گازا) می باشد . در این باره نام دیگری نیز وجود دارد و آن جائی است که در لوحه ها نام (کونتوروش) و (کونتاروش) ثبت شده . این نام را با آسانی می توان با محلی در (مدیا) که در کتیبه های بیستون ذکر شده ، اما در لوحه های مایک موضوع بفرنج وجود دارد . سه بار نیز بنام (کونتوروش) برمی خوریم که گفته می شود در محلی بنام (آتیا) یا (هاتیا) قرار دارد که امروز آنرا (آتیا) یا (هاتیا) می نامیم که مقصود همان سر زمین (هیتیت) است که تقریباً در حدود شمال سوریه واقع است و در آنجا محلی است بنام (چینداروس) یکی از لوحه های ما (لوحه ۱۵) فهرست تعدادی گوسفند و مقداری روغن است که از انبارهای نقاط مختلف خارج گردیده . در میان اسامی این اماکن نه فقط ذکر کونتوروش بمیان آمده بلکه کونتاروش و کونتوروش آتیا نیز مذکور است . یازده اسم دیگر نیز در لوحه ها وجود دارد که در هیچ جای دیگر تکرار نشده اند . مطلقاً (کونتوروس آتیا) باید جاهای مختلف وجداز هم باشند که آخری همان (چینداروس) (سوریه و دو کودوروش در مدیا و یکی دیگر مشخص و معلوم نیست . در این ایام من نمی خواهم حدسیات خود را بعنوان مسائل یقینی تلقی کنم ولی اطمینان دارم که هالبت مسئله بر پایه سنجیدن احتمالات مورد قضاوت قرار خواهد گرفت .